



ششمین کنفرانس هرتزلیا

مصونیت و ارزیابی امنیت ملی

خانم بیسان عدوان<sup>۱</sup>  
منبع: القدس؛ مجله شئون اسرائیلیه  
مترجم: قیس زعفرانی

#### ◆ اشاره

کنفرانس هرتزلیا یکی از چند کنفرانس مهم و ادواری یهودیان و صهیونیست‌ها می‌باشد که اهمیت بسزایی در تدوین سیاست داخلی و خارجی اسرائیل و جامعه یهودیان در سراسر دنیا دارد. این کنفرانس که در هر دوره با حضور شخصیت‌های مشهور یهودی و اسرائیلی و حتی غیر یهودی ولی صهیونیست برگزار می‌شود، بسیاری از مشکلات و مسائل جاری یهودیان و اسرائیل را در سطحی گسترده و استراتژیک مورد توجه قرار می‌دهد و در خصوص حل آنها نیز راهکار ارائه می‌شود. حدود و کیفیت این

---

۱. محقق در مسائل اسرائیل.

راهکارها از حیث تخصصی در آن حد است که حتی ممکن است خطوط قرمز را نیز درنوردد.

ذکر مقاله‌ای در این خصوص و در این بخش بدان جهت است که کنفرانس ششم هرتزلیا به برخی موارد مهمی توجه کرده است که اطلاع ما از آنها بسیار ضروری است و یکی از این مسائل توجه به ایران به بهانه توان هسته‌ای آن است. با اطلاع از این توجه به ویژه در کنفرانس‌هایی شبیه هرتزلیا و با عنایت به میزان نفوذ یهودیان در عرصه‌های تصمیم‌سازی در محافل غربی، به سادگی می‌توان دریافت که محورهای گفتگوهای ایران با غرب بر سر مسائل هسته‌ای در کجا تعیین می‌شود.

مسئله مهم دیگری که در این کنفرانس بدان توجه شده است لزوم برقراری صلح با اعراب و فلسطینی‌ها به دلیل نیازی است که اسرائیل دارد. نیاز به صلح برای یهودیان صهیونیست در اسرائیل، تا آن حد است که حتی حاضرند از بسیاری از سرزمین‌های ادعایی عقب‌نشینی کنند و البته ذکر این نکته ضروری است که نیاز اسرائیل به صلح به دلیل صلح‌خواهی آن نیست بلکه بدان جهت است که فروپاشی جامعه از هم گسیخته و ناهمگون یهود در سرزمین اشغال شده فلسطین اندکی به تأخیر افتد. یکی از عوامل فروپاشی این جامعه بحران جمعیتی است. کاهش جمعیت یهودیان و مهاجرت آنها به فلسطین اشغالی و افزایش زاد و ولد در میان فلسطینی‌ها و از سوی دیگر افزایش مهاجرت معکوس یهودیان از اسرائیل در این کنفرانس نیز مورد توجه بوده است. چنان‌که نویسنده نیز در پایان مقاله هشدار می‌دهد، باید در احوال دشمن بیش از این تأمل نمود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

\*\*\*

عنوان ششمین کنفرانس هرتزلیا «موضوع میزان مصونیت و ارزیابی امنیت ملی اسرائیل» بود که پایه و اساس فهم سیاست خارجی منطقه‌ای و بین‌المللی اسرائیل در سال جاری به شمار می‌آید، به ویژه آنکه این کنفرانس هر ساله با حضور سیاستمداران و نظامیان و درجه‌داران اسرائیلی، از جمله نخست‌وزیر و اعضای هیأت دولت، مانند وزیران دفاع و امور خارجه و دارایی و همچنین رئیس ستاد مشترک ارتش و رؤسای دستگاه‌ها و سازمان‌های امنیتی تشکیل می‌شود و در آن از نیات، طرح‌ها و پیش‌بینی‌ها و برآوردهای مختلف پیرامون

چالش‌های موجود و احتمالی صحبت می‌کنند. غیر از آن در این کنفرانس شخصیت‌ها و جناح‌هایی از مراکز تصمیم‌گیری و خارج از آن نیز حضور می‌یابند تا ضمن ارائه طرح‌ها، تحقیقات و دیدگاه‌هایشان در حوزه‌های سیاسی، امنیتی اجتماعی و روابط خارجی نظر حضار را به این طرح‌ها جلب نموده و موافقت ایشان را درباره آنها کسب نمایند.

از زمان انعقاد اولین کنفرانس هرتزلیا با همین عنوان، یعنی «میزان مصونیت و امنیت ملی» در سال ۲۰۰۰،<sup>۱</sup> موضوع امنیت اسرائیل از جایگاه مهمی در گفتگوها، مناقشات، پژوهش‌ها، تحقیقات، چالش‌ها و راه‌حل‌های ارائه شده پیرامون نحوه رویارویی داخلی و خارجی اسرائیل برخوردار است. در چهارمین کنفرانس هرتزلیا برنامه قطع ارتباط و عقب‌نشینی از برخی شهرک‌ها مطرح و در پنجمین کنفرانس هرتزلیا طرح اولمرت مبنی بر یکسان‌سازی و یکپارچه کردن اسرائیل

در سند آمده است، اسرائیل در آستانه سال ۲۰۰۶ در بهترین موقعیت استراتژیکی، امنیتی و سیاسی به سر می‌برد، موقعیتی که در طول تاریخ خویش هیچ‌گاه با آن مواجه نبوده است. اما با مجموعه چالش‌ها و تهدیدهای نظامی و سیاسی نیز مواجه است.

ارائه شد. اما برنامه موضوع مصونیت و تقویت امنیت ملی اسرائیل در سال ۲۰۰۶ در کنار موضوع‌های اقتصادی، جمعیتی و استراتژیک مطرح شد، البته در سطح جهانی و بین‌المللی به مسائلی نظیر تبدیل ایران به قدرتی هسته‌ای و جایگاه اسرائیل در اروپا و ایالات متحده و آینده روابطش با این دو قطب و اطلس نقشه راه در عملیات تسویه‌های اسرائیل عربی، از حیث مرزهایی که باید از آنها دفاع می‌شد و مرزهای کشور فلسطین و قدس به عنوان پایتخت

۱. کلیه سال‌ها در این مقاله به میلادی می‌باشد.

اسرائیل و ملت یهود و یهودیت به عنوان یک فرهنگ در عصر جهانی شدن و موضوع‌های دیگری در زمینه قانون، سیاست، تبلیغات، اقتصاد، جامعه و جهان یهود نیز پرداخته شد.

### ◆ خلاصه سند کنفرانس

سند ششمین کنفرانس هرتزلیا، ۲۰۰۶، پیرامون میزان مصونیت و امنیت ملی اسرائیل تهیه، تدوین و منتشر شد. در سند آمده است، اسرائیل در آستانه سال ۲۰۰۶ در بهترین موقعیت استراتژیکی، امنیتی و سیاسی به سر می‌برد، موقعیتی که در طول تاریخ خویش هیچ‌گاه با آن مواجه نبوده است. اما با مجموعه چالش‌ها و تهدیدهای نظامی و سیاسی نیز مواجه است که می‌توان آنها را در موارد ذیل خلاصه کرد:

- ایران خواهان نابودی اسرائیل است و اقدام به مدرنیزاسیون تجهیزات نظامی هسته‌ای خود نموده و فعالیت‌های تروریستی را با حمایت‌های مالی و تسلیحاتی خود علیه اسرائیل توجیه و هدایت می‌کند.

- به قدرت رسیدن «حماس» در تشکیلات خودگردان فلسطین و از بین رفتن فرصت‌هایی برای دستیابی به تسویه سیاسی اسرائیلی فلسطینی که هر دو طرف در مورد آن به توافق رسیده باشند.

- ادامه و حتی افزایش تهدیدات تروریستی، علاوه بر تروریسم اسلامی جهانی که همچنان در حال نزدیک شدن به مرزهای اسرائیل است که می‌توان آن را تروریسم منطقه‌ای هم نامید.

- افزایش قدرت و نفوذ «اسلام سیاسی» در میان کشورهای خاورمیانه.

- ادامه فروپاشی رژیم سوریه و رویارویی یا مقابله‌ای که دمشق با ایالات متحده در پیش گرفته است.

آنچه در این کنفرانس جلب نظر می‌کرد، نزدیکی آن به انتخابات عمومی کنست اسرائیل بود و این باعث شد، شخصیت‌های کاندیدای نخست‌وزیری اسرائیل در گفتگوها و سخنرانی‌ها

حضور یابند. در این راستا «ایهود اولمرت» و «بنیامین نتانیاها» و «عمیر پیرتس»، سه رقیب انتخاباتی، به نمایندگی از احزابشان، «کادیم»، «لیکود» و «کار» مطالبی ایراد نمودند. اولمرت از طرف حزب کادیم سخن می‌گفت و به نوعی برنامه سیاسی خود را مطرح می‌ساخت و مراقب بود نه موجب «عصبانیت» حضار شود و نه به تفاسیل بپردازد، اما توضیح داد که ترجیح می‌دهد، اسرائیل تلاش کند، در صورتی که فلسطینی‌ها به «تعهدات خویش» در نقشه راه عمل نکنند، به توافق دیگری با آنان دست یابد. همچنین از عقب‌نشینی‌هایی از سرزمین «اسرائیل» نیز سخن گفت که انگیزه نهفته در پس آنها نه صلح و نه آشتی و نه سازش با همسایگان بلکه عامل جمعیتی بود که به دلیل کاهش میانگین رشد جمعیت یهود به زیان اسرائیل، به عنوان کشوری یهودی عمل می‌کند و با وجود جذب مستمر مهاجران یهودی از سراسر جهان، افزایش جمعیت فلسطینی‌ها آن قدر بالاست که باعث می‌شود، طی سی سال آینده، فلسطینی‌ها به اکثریت تبدیل و در سال ۲۰۲۰ با جمعیت یهودیان برابر شوند.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود، موضوع جمعیت بر سخنان اولمرت سایه افکنده است:

اختیار میان میل به فراهم ساختن این امکان برای هر یهودی که در هر مکان یا جایی از سرزمین اسرائیل که میل داشته باشد، زندگی کند و میان حفظ موجودیت کشور اسرائیل به عنوان کشوری یهودی که باید از بخشی از سرزمین اسرائیل چشم‌پوشی کرد، البته این عقب‌نشینی به معنای عقب‌نشینی از اندیشه صهیونیسم نیست، بلکه عملی ساختن این هدف صهیونیسم یعنی حفظ هویت و بافت یهودی و دموکرات کشور در سرزمین اسرائیل است.

همچنین او در سخنرانی‌اش می‌گوید:

ما باید در نزدیک‌ترین زمان ممکن خط مرزی آشکاری را مشخص کنیم تا بیانگر هویت و بافت جمعیتی ما باشد که از زمان تأسیس کشور تاکنون رشد یافته و تأکید بر این نکته که اسرائیل مناطق امنیتی و شهرک‌های یهودی‌نشین و مناطقی را حفظ خواهد کرد که اهمیت بسزایی برای ملت یهود دارند. در رأس این مناطق قدس یکپارچه تحت

حاکمیت اسرائیل قرار دارد، بدون این پایتخت ابدی که در کانون کشور قرار دارد، وجود کشور یهودی بی‌معناست.

سخنان اولمرت در کنفرانس هرترتیا دیدگاه او را پیرامون راه حل‌های سیاسی در مورد فلسطینی‌ها و مسأله جمعیت و چالش‌های امنیتی آشکار ساخت. وی خواهان ایجاد مناطق امنیتی میان کشور اسرائیل و فلسطینی‌ها و لزوم حاکمیت بر منطقه دره اردن بود که ۲۰٪ مساحت کرانه باختری را تشکیل می‌دهد.

همچنین نباید از حاکمیت بر قدس با مرزهای توسعه‌یافته‌اش چشم پوشید که حدود ۲۰٪ مساحت کرانه باختری را در برمی‌گیرد، این موضوع شامل

شهرک‌هایی چون «گوش عتسیون»، «آریل» و غیره نیز می‌شود که آنها حدود ۲۰٪ مساحت کرانه باختری را به خود اختصاص می‌دهند. به جز مناطقی که به دلایل امنیتی، اسرائیل باید بر آنها حاکم باشد، اولمرت از کشور فلسطینی هم سخن گفت:

وجود دو دولت ملی یکی یهودی و دیگری فلسطینی، بهترین راه حلی است که خواسته‌های ملی هر دو ملت را برآورده می‌سازد، از جمله مسأله پناهندگان که فقط جذب دولت فلسطینی خواهند شد، چون ما اجازه نمی‌دهیم، پناهندگان وارد کشور اسرائیل شوند. این موضع آشکار ماست که با موضع قاطع امریکا، در نامه‌ای که بوش، رئیس‌جمهور امریکا، برای نخست‌وزیر وقت اسرائیل (شارون) در آوریل ۲۰۰۴ ارسال کرد، مورد حمایت قرار گرفت.

در این کنفرانس عنوان شد که اسرائیل نیازمند بهره‌گیری از مفهوم «پیشگیری» به عنوان توجیه اقدامات خود علیه نیروهایی چون حماس و حزب الله است و از سوی دیگر نیازمند ایجاد زمینه‌های قانونی و بین‌المللی است که حق این پیشگیری را به خود بدهد.

اما اولمرت در سخنرانی خود سیاست‌های «اسرائیل» را پس از پیروزی حماس در انتخابات قانونگذاری فلسطین مشخص نکرد، همچنین به تهدید هسته‌ای ایران علیه «اسرائیل» و مرزهای شمالی این کشور اشاره‌ای نکرد.

اما از جمله مطالب جدید مطرح شده در کنفرانس، تغییر مفهوم امنیتی دفع خطرهای منطقه‌ای است که جدا از خطرهایی است که کشورهای همجوار برای اسرائیل به وجود می‌آورند، به ویژه خطر فزاینده اسلام که در حماس و حزب‌الله نمود پیدا می‌کند و این تغییر را می‌توان در قالبی تحت عنوان «از بازدارندگی تا مسابقه» قرار داد. بدین معنا که نیروهای مقاومت از جمله حزب‌الله را نمی‌توان با مفهوم «بازدارندگی» امنیتی سرکوب کرد که درباره کشورهای مورد استفاده قرار می‌گیرد. چون از یکسو سازمان‌هایی نظامی - جنگی‌اند و از سوی دیگر کشوری تشکیل نمی‌دهند که ارتش آن به شمار آیند. اسرائیل نیازمند بهره‌گیری از مفهوم «پیشگیری» به عنوان توجیه اقدامات خود علیه نیروهایی چون حماس و حزب‌الله است و از سوی دیگر نیازمند ایجاد زمینه‌های قانونی و بین‌المللی است که حق این پیشگیری را به خود بدهد، شاید این امر بیانگر پافشاری اسرائیل بر عدم عقب‌نشینی از جنوب لبنان اشغالی باشد، اما بعد از صدور قطعنامه‌ای - که قطعنامه ۱۵۵۹ را نسخ و باطل می‌کرد و شروع اجرای آن، خلع سلاح مقاومت و بستن راه مسلح شدن مجدد آنها و استقرار «نیروهای چند ملیتی» که اجازه استفاده از زور را هم دارند - ترجیح داده شود. همچنین تفسیر کننده پافشاری اسرائیل بر جلب توافق نظر افکار عمومی جهان، در محاصره مالی و اقتصادی دولت فلسطینی است.

سند ششمین کنفرانس هرتزلیا جمع‌بندی مهم‌ترین عناوین مطرح شده را در کنفرانس نیز در برمی‌گرفت که بدین شرح مورد بحث و مناقشه قرار گرفت.

### ◆ نکات مربوط به مصونیت و تقویت امنیت ملی

در سند ششمین کنفرانس هرتزلیا پیرامون میزان مصونیت و امنیت ملی اسرائیل و در زمینه

امنیت چنین آمده است:

با توجه به اوضاع و احوال نسبتاً مناسب استراتژیک کشور (اسرائیل) احساس تهدیدات موجودیتی رو به کاهش گذاشته است، اما در همان زمان پیرامون مسأله ارتش یا نیروی نظامی (اسرائیل) از حیث میزان نیروی مورد نیاز در این ارگان و میزان سرمایه‌گذاری مطلوب در آن باید گفت، در دوره انتقالی که اکنون ما در آن به سر می‌بریم، تأکید بر توجه اساسی به نیازهای اجتماعی به جای نیازهای امنیتی افزایش یافته است و «سند» هنگام بازنگری در هرم اولویت‌های ملی باید به دو نکته ذیل توجه داشته باشد:

۱. بودجه امنیت در سال‌های اخیر کاهش درخور ملاحظه‌ای یافته و از ۲۳٪ بودجه کشور در سال ۱۹۷۰ به ۱۷ یا ۱۸٪ در حال حاضر رسیده است. به این ترتیب بودجه امنیت طی پنج سال به صورت تراکمی به میزان ۱۷ میلیارد شیکل کاهش نشان می‌دهد.
۲. نقش اجتماعی که ارتش یا نیروی نظامی اسرائیل در حوزه‌های تربیتی و آموزشی و ارائه کمک‌های اقتصادی به سربازان و حتی در حوزه «تهوید یا یهودی کردن» بسیاری از سربازان ایفا می‌کند.

به متن سند، مقدمه‌ای در زمینه امنیت ملی نیز افزوده شد که در واقع نظرسنجی صورت گرفته توسط «مؤسسه نظرسنجی ملی اسرائیل» پیرامون روح ملی‌گرایی میان جوانان اسرائیلی بود. در این نظرسنجی آمده بود که دو عامل از خودگذشتگی و اصالت در میان جوانان به شدت سست و تضعیف شده است. نظرسنجی ذکر می‌کند:

تضعیف دو عامل از خودگذشتگی و اصالت در میان جوانان اسرائیلی آشکارا مشاهده می‌شود، به عنوان مثال نداشتن آمادگی برای جنگیدن و دفاع از کشور فقط در میان نسل‌های پیش که در حال حاضر سنی از آنها گذشته مشاهده می‌شود و میان نسل کنونی فقط ۱۴٪ جوانان یهودی آمادگی خود را برای جنگیدن و دفاع از کشور اعلام کرده‌اند. همچنین ۴۴٪ این جوانان تأکید کردند، در صورتی که وضع معیشتی ایشان به صورت ملموس در خارج از کشور بهتر از داخل کشور باشد، کشور را ترک و به خارج



مهاجرت خواهند کرد. این در حالی است که بیگانگی عیانی میان افراد کم درآمد نسبت به این دو معیار ملاحظه می‌شود و آنها تردید بیشتری نسبت به آمادگی برای جنگیدن و دفاع از کشور دارند، به گونه‌ای که فقط ۹٪ چنین افرادی آمادگی خود را برای دفاع از

کشور اعلام و آشکارا عنوان

کرده‌اند میل ندارند «شهروندان

متعصب و پرشور» توصیف شوند.

در راستای اوضاع و احوال اقتصادی و

اجتماعی دولت کنونی و همچنین دولت

پیش از آن، که خواهان افزایش درآمدها و

رسیدگی به اوضاع و احوال آشفته

اقتصادی و اجتماعی است، امنیت بسان

طناب نجاتی عمل می‌کند که دولت با چنگ

زدن به آن می‌تواند «روح اسرائیل‌گرایی»

را میان شهروندان به ویژه جوانان خود

بدمد، به همین دلیل کارشناسان امنیتی در

بیان دیدگاه‌های خویش به این موضوع

پرداخته و بر آن تأکید بسیار کردند،

سخنرانی‌هایی در این کنفرانس ایراد

و دیدگاه‌هایی بیان شد که موضوع

تبدیل ایران به قدرتی هسته‌ای و

مقابله اسرائیل با این خطر هسته‌ای

را مورد بحث و مناقشه قرار می‌داد.

بر این اساس اسرائیل باید دست به

اقدامات بین‌المللی و جهانی نوینی

برای غلبه بر این خطر بزند که آن را

احاطه کند و در این راه امریکا نیز

شریک و حامی اسرائیل خواهد بود.

دولت باید سربازگیری اجباری را مد نظر داشته باشد، چون ارتشی که داوطلبانه تشکیل شده

باشد، کارکردی متوسط یا پایین‌تر از متوسط خواهد داشت و این با واقعیت‌های حاکم بر

اسرائیل همخوانی ندارد.

کارشناسان نظامی اسرائیلی نیز در این زمینه با کارشناسان امنیتی متفق‌القول‌اند و در زمینه

«تقسیم بار امنیتی بر تمام جمعیت» گفته‌اند:

احساس همبستگی ملی با اوضاع و احوال حاکم بر جامعه اسرائیل که فقط بخش‌ها و

طبقات خاصی از جامعه خدمت نظام وظیفه را ادا می‌کنند و مابقی از آن معاف هستند.

نه تنها باعث تقسیم نابرابر بار امنیتی می‌شود، بلکه کشور را به قهقرا خواهد کشاند.

از جهت دیگر در حالی که ارتش بیش از هر نهاد و ارگان دیگری نیازمند تقسیم مساوی بار امنیتی است، اما قرارها و تصمیمات سیاسی اتخاذ شده در این زمینه بلااجرا باقی مانده‌اند. این در حالی است که اسرائیل توانسته با استفاده از تکنولوژی‌های مدرن، قدرت نظامی پیشرفته‌ای در مقیاس‌های جهانی بنا نماید. تکنولوژی نظامی تفوق قاطعی در حوزه‌های دقت در هدفگیری، سرعت در حرکت و نقل و انتقال، جمع‌آوری اطلاعات و... در اختیار ارتش اسرائیل قرار می‌دهد. پیشرفت و رشد توان اطلاعاتی تجسسی ارتش اسرائیل و پیگیری و تعیین اهداف و انتقال اطلاعات در زمان کوتاه و هدفگیری دقیق و مستقیم تا سرحد امکان از جمله امتیازاتی است که باعث افزایش توان و قدرت نظامی ملموس ارتش اسرائیل شده است و اجازه می‌دهد در زمینه مبارزه با تروریسم موفق عمل کند، بلکه تمام اینها باعث تقویت پایه‌های ارتش اسرائیل و ماندگاری این ارتش به عنوان ارتش مردمی می‌شود که مصونیت امنیت ملی کشور را نیز افزایش می‌دهد. خدمت در ارتش فرصت گرانبهایی برای نزدیکی و الفت افراد از طبقات مختلف جامعه به یکدیگر است و این نقش مهمی در تبدیل این ارتش به «ارتش مردمی» ایفا می‌کند.

#### ◆ مسائل استراتژیک تبدیل ایران به قدرت هسته‌ای

سخنرانی‌هایی در این کنفرانس ایراد و دیدگاه‌هایی بیان شد که موضوع تبدیل ایران به قدرتی هسته‌ای و مقابله اسرائیل با این خطر هسته‌ای را مورد بحث و مناقشه قرار می‌داد. بر این اساس اسرائیل باید دست به اقدامات بین‌المللی و جهانی نوینی برای غلبه بر این خطر بزند که آن را احاطه کند و در این راه امریکا نیز شریک و حامی اسرائیل خواهد بود. در زمینه سیاست منطقه‌ای به نظر می‌رسد، اسرائیل از سوی هیچ‌یک از کشورهای همجوار خود خطری جدی احساس نمی‌کند که موجودیتش را به خطر اندازد بلکه به عکس اسرائیل پیش‌بینی می‌کند،

در بهترین وضعیت امنیتی از سال ۱۹۴۸ تاکنون قرار دارد. اما مهم‌ترین خطراتی که در سال‌های آتی پیش روی اسرائیل قرار خواهد گرفت، قدرت نظامی هسته‌ای ایران است. تاکنون برای اسرائیل پیش‌نیامده است که از سوی قدرتی منطقه‌ای تهدید شود که تکنولوژی هسته‌ای در اختیار داشته باشد، در حالی که از سازمان‌ها و نیروهای مقاومت دور از مرزهای خود که در موقعیت صفر مرزی با «اسرائیل» هستند، مانند حماس و حزب‌الله هم حمایت کند و این تکیه‌گاه هسته‌ای برای این نیروها به وجود خواهد آورد. در سند آمده بود، اسرائیل در سال‌های آینده باید از قدرت برای توقف یا ایجاد مانع بر سر راه پیشرفت اجرای طرح‌های هسته‌ای ایران استفاده کند و در این راه بهای پرداختی را هم باید در نظر داشته باشد که شامل «تروریسمی» خواهد بود که ایران در سراسر جهان آن را تحریک کرده و از آن حمایت خواهد کرد.

سند قاطعانه بر این دیدگاه تأکید می‌کند که اسرائیل نمی‌تواند، تسلیم اوضاع و احوال کنونی ایران و رژیمش شود و در اختیار گرفتن سلاح هسته‌ای و تجهیزات استفاده از این نوع سلاح‌ها را نمی‌پذیرد و بسیار سخت است که بر منطق نظامی ایران اعتماد کرد، چون تفکرات و اندیشه‌های آن از عوامل و عناصر مذهبی تأثیر می‌پذیرد، به ویژه آنکه این رژیم تمام توان خویش را بر نابودی اسرائیل متمرکز کرده است. افزون بر این، سند بار دیگر تأکید می‌کند، اوضاع و احوال ایران بسان عراق نیست که بتوان به راحتی بر آن غلبه کرد. امکان غلبه نهایی بر توان و قدرت ایران که فناوری دستیابی به سلاح هسته‌ای را در اختیار دارد، بسیار مشکل است، مگر اینکه اوضاع و احوالی پیش آید که ایران کاملاً اشغال شود و این احتمالی بسیار دور از دسترس است.

### ◆ روند تسویه‌های اسرائیلی عربی

در زمینه رابطه اسرائیل با فلسطینی‌ها سند «ششمین کنفرانس هرتزلیا» عنوان می‌کند، سه

جریان فکری سیاسی و اصلی در اسرائیل وجود دارد که از هر یک از آنها می‌توان یک «موضع سیاسی» برداشت نمود و به مسأله وجود شریک فلسطینی احتمالی یا نبود آن در کوتاه‌مدت به نحو ذیل پرداخت:

- کسی که به وجود شریک فلسطینی احتمالی اعتقاد دارد در محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، نمود پیدا می‌کند. او (محمود عباس) معتقد است، درست نیست پیش از پرداختن به موضوعات امنیتی در مرحله اول نقشه راه وارد مذاکراتی پیرامون راه حل نهایی شد.

- کسی که اعتقاد دارد فرصت‌های ایجاد شریک تقریباً از بین رفته و بر محال بودن دستیابی

به تسویه تأکید دارد، نمی‌تواند فرض کند که فلسطینی‌ها بتوانند، خواسته‌های نقشه راه را در بعد امنیتی برآورده سازند، به همین دلیل باید گرایشی یک بعدی پیش گرفت.

تاکنون برای اسرائیل پیش نیامده است که از سوی قدرتی منطقه‌ای تهدید شود که تکنولوژی هسته‌ای در اختیار داشته باشد، در حالی که از سازمان‌ها و نیروهای مقاومت دور از مرزهای خود که در موقعیت صفر مرزی با «اسرائیل» هستند، مانند حماس و حزب‌الله هم حمایت کند و این تکیه‌گاه هسته‌ای برای این نیروها به وجود خواهد آورد.

سند در این زمینه تأکید می‌کند، حمایت و تأیید رسمی اسرائیل با تشکیل دولتی فلسطینی مستقل (یا به عبارت بهتر تأیید و حمایت از دیدگاه تشکیل «دو دولت ملی» که جرج بوش زمزمه کننده آن بود) تأیید و حمایتی است که برخی عوامل و عناصر اسرائیلی آن را پیش می‌برند.

- عواملی که اسرائیل را به موافقت با

تشکیل دولت فلسطینی و ادار می‌سازد،

ناشی از میل به تشکیل دولتی یهودی و دموکرات است که آن هم ناشی از لزوم حفظ هویت و

بافت یهودی کشور در مقابل چشم‌پوشی از اجزایی از «سرزمین اسرائیل» و تشکیل دولتی ملی برای فلسطینی‌هاست و همان‌طور که گفته شد، آن هم به دلایل جمعیتی و توجه به این امر مهم که ماهیت اسرائیل به عنوان کشوری یهودی، به تدریج در حال از دست دادن حمایت و تأیید جهانی خود است، به همین دلیل تشکیل دولتی ملی از فلسطینی‌ها در اسرع وقت به نفع اسرائیل است و کسانی که به بقای کشور اسرائیل به عنوان کشوری یهودی و دموکراتیک توجه دارند که از مشروعیت گسترده بین‌المللی برخوردار است، از این دیدگاه حمایت می‌کنند.

- با تشکیل کشوری ملی برای فلسطینی‌ها مسأله پناهندگان فلسطینی برای دولت اسرائیل حل خواهد شد. در این زمینه اتفاق نظر گسترده‌ای میان تصمیم‌گیرندگان سیاسی اسرائیل وجود دارد. بر این اساس آنها معتقدند، تشکیل دولتی فلسطینی به دنبال خود حل مشکل پناهندگان را در پی خواهد داشت و هیچ راه حل

دیگری، حتی جزئی، در این زمینه برای اسرائیل وجود ندارد.

**در سند آمده بود، اسرائیل در سال‌های آینده باید از قدرت برای توقف یا ایجاد مانع بر سر راه پیشرفت اجرای طرح‌های هسته‌ای ایران استفاده کند.**

- ملاحظاتی پیرامون تعیین مرزها و حل و فصل مسأله قدس و آینده منطقه الجلیل به چشم می‌خورد. سند در این زمینه اشاره می‌کند، با وجودی که گفتگو پیرامون حل و فصل دائم در حال حاضر

در جدول کاری مطرح نیست، اما مناقشه‌هایی پیرامون ملاحظات و اصول و مبانی در حال انجام است که باید در تعیین مرزهای دائمی در آینده از آنها تبعیت کرد. از جمله ایده تبادل مناطق مسکونی میان اسرائیل و کشور فلسطینی، به ویژه انتقال دو منطقه ام‌الفحم و المثلث تحت حاکمیت فلسطینی‌ها. ایده دیگری که مطرح است، مبادله مناطق (اراضی) در چارچوب توافقات چندجانبه و توافق کامل اسرائیلی - عربی است که می‌تواند مصر، اردن و سوریه را هم در بر گیرد. این ایده از این پیش‌بینی نشأت می‌گیرد که حتی در صورت دستیابی به توافقی بر

اساس تشکیل دو کشور میان رود و دریا، کمبود زمین با توجه به تراکم جمعیت احتمال دستیابی به توافق را دور از دسترس خواهد کرد، چون هر دو طرف به مناطق یا اراضی مازاد و اضافی نیاز پیدا خواهند کرد.

نکته در خور توجه اینکه همه در اسرائیل بر این نکته اتفاق نظر دارند که مناطق مسکونی فلسطینی در کرانه باختری تحت حاکمیت و استیلای اسرائیل باقی نخواهند ماند، چون باری سنگین بر دوش اسرائیل هستند و این جدای از خطر جمعیتی و امنیتی آنهاست. این باعث می‌شود، تمام طرف‌ها بر ضرورت چشم‌پوشی از این مناطق مسکونی اتفاق نظر داشته باشند و حتی با نامیدن این مناطق تحت عنوان کیانی سیاسی که مسئولیت اداره آن بر عهده دولتی فلسطینی است، موافقت کنند، حال چه این کیان، اصول و عوامل لازم جهت تشکیل دولت را در اختیار داشته باشد، یا نه. به هر حال همه در اسرائیل بر باقی ماندن شهرک‌های یهودی‌نشین تحت استیلا و حاکمیت «اسرائیل» اتفاق نظر دارند.

### ◆ قدس، پایتخت اسرائیل و ملت یهود

تهیه‌کنندگان سند، دیدگاه‌های خود را در قبال آینده قدس تحت عنوان «قدس عاملی اثرگذار در امنیت ملی اسرائیل» بیان کردند، به ویژه از آن زمان که برخی تحولات در سال‌های اخیر باعث تضعیف مصونیت پایتخت اسرائیل شده است. آنها خواهان چشم‌پوشی و صرف نظر کردن «اسرائیل» از اکثر شهرک‌های پرجمعیت عرب‌نشین قدس شرقی و توسعه قدس در حد و حدودی بودند که برای این شهر در نظر گرفته شده و با «منافع حیاتی» اسرائیل در ارتباط است. بر این اساس قدس در چارچوب توافق دائمی به پایتخت فلسطین تبدیل می‌شود و این نظر کارشناسان یکی از مراکز تحقیقاتی اسرائیل بود، اما کارشناسان با توجه به داده‌ها، حقایق، گرایش‌ها و اوضاع و احوال حاکم بر نزاع اسرائیلی - فلسطینی راه دستیابی به چنین توافقی را دور از دسترس می‌دانستند.

گزارش ارائه شده پیرامون قدس بیانگر امیال و گرایش‌های منفی در قبال موضع‌گیری اسرائیل پیرامون پایتخت یکپارچه‌شان در تمام حوزه‌های جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و امنیتی بود. همچنین از نظرسنجی جامعی که دکتر اهارون باین و مرکز تحقیقاتی تسبیت انجام داد، دیدگاه جامعی نسبت به قدس، آشکار و راهکارهایی در زمینه بهبود اوضاع و احوال شهر ارائه شد. در نظرسنجی آمده بود: اکثر یهودیان ساکن قدس اشغالی در حال تحلیل رفتن و کاهش هستند. هنگام یکپارچه شدن شهر در سال ۱۹۶۷، یهودیان ۷۵٪ ساکنان شهر را تشکیل می‌دادند، اما امروزه این نسبت به ۶۶٪ می‌رسد و پیش‌بینی می‌شود، در سال ۲۰۲۰ به ۵۸٪ برسد.



**سند تأکید می‌کند، اوضاع و احوال ایران بسان عراق نیست که بتوان به راحتی بر آن غلبه کرد. امکان غلبه نهایی بر توان و قدرت ایران که فناوری دستیابی به سلاح هسته‌ای را در اختیار دارد، بسیار مشکل است، مگر اینکه اوضاع و احوالی پیش آید که ایران کاملاً اشغال شود و این احتمالی بسیار دور از دسترس است.**



و سرانجام سال ۲۰۳۰ شاهد تعادل جمعیت یهود با جمعیت فلسطینی‌ها خواهیم بود. (یعنی ۵۰ ۵۰). همچنین نظرسنجی به این نکته اشاره می‌کند که میل فزاینده‌ای میان یهود برای مهاجرت به خارج شهر مشاهده می‌شود. در بیست سال گذشته بیش از ۱۰۰ هزار نفر از یهودیان ساکن شهر در نتیجه دو عامل این شهر را ترک کردند، اوضاع اقتصادی و امنیتی شهر؛ چون ساکنان شهر قدس پایین‌ترین درآمدها را میان ساکنان شهرهای بزرگ به خود اختصاص می‌دهند و این بالطبع بر توان خرید و اوضاع تجاری و بازرگانی و وضعیت

خود شهر تأثیر منفی می‌گذارد. در واقع قدس فقیرترین شهر در میان شهرهای بزرگ اسرائیل

است و یک سوم خانوارهای شهری زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بیش از ۵۳٪ کودکان شهر بچه‌های فقر شناخته شده‌اند، این در حالی است که اعراب ساکن شهر بسیار فقیرتر از یهودیان هستند.

همچنین بخش گردشگری علی‌رغم رشد نسبی همچنان نیازمند اهتمام و توجه است و در مقایسه با دهه نود ضعیف عمل می‌کند. درباره اوضاع و احوال امنیتی باید گفت، از زمان آغاز انتفاضه دوم تا کنون ۶۳۵ عملیات انتحاری در شهر صورت گرفته که در پی آن ۱۶۴۳ نفر زخمی و ۲۱۱ نفر کشته شده‌اند (به عبارت بهتر ۲۰٪ کشته‌شدگان در عملیات‌های انتحاری در پنج سال اول انتفاضه در این شهر بوده‌اند).

گروه تهیه‌کننده گزارش قدس توصیه می‌کند، بهتر است مرزهای این شهر در راستای عقب‌نشینی از شهرک‌های فلسطینی دوباره رسم شود و کارشناسان «مرکز تحقیقات و پژوهش‌های اسرائیلی قدس» در کنگره راه حلی برای قدس اشغالی ارائه دهند که خواهان ورود جامعه بین‌المللی برای نظارت و مراقبت از اماکن مقدس و تاریخی شهر باشد. در گزارش آمده بود:

اسرائیل و فلسطینی‌ها باید با این امر موافقت کنند که جامعه جهانی در اداره اماکن مقدس و تاریخی قدس سهیم باشد.

و محققان پیشنهاد می‌کنند، بخش‌هایی از کنترل و نظارت بر این اماکن به خود جامعه سپرده شود و نتیجه گرفتند:

نبود اعتماد متقابل میان اسرائیل و تشکیلات خودگردان فلسطین در حوزه امنیت، نگهداری و مراقبت از اماکن مقدسه، دخالت بین‌المللی و جهانی برای اداره آن مناطق و اماکن از حیث امنیتی را توجیه می‌کند.

گزارش مورد نظر راهکارهایی را ارائه داده است و محاسن و معایب هر یک از این راهکارها را تبیین می‌کند:

- حاکمیت کامل اسرائیل بر تمام «مراکز تاریخی» شهر قدس با امکان دادن استقلال کاری در



میدان‌های خاص و معین به اعراب و دادن جایگاه خاص به اماکن مقدس اسلامی و مسیحی. این گزارش در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که هر دو طرف اسرائیلی و فلسطینی با این پیشنهاد موافقت نکردند.

- حاکمیت کامل فلسطینی‌ها در تمام «مناطق تاریخی» با امکان دادن استقلال کاری در میدان‌های خاص و معین به یهود و جایگاه خاص به اماکن مقدس یهودی و مسیحی.

این گزارش در ادامه به این نکته اشاره می‌کند که اسرائیل با این پیشنهاد مخالفت کرد. - تقسیم جغرافیایی شهر به دو قسمت و نظارت بین‌المللی بر قسمت سوم جهت حل اختلاف نظرها و چهارم اداره مشترک و تقسیم اختیارات میان دو طرف به همراه وجود حمایت بین‌المللی.

- در صورت شکست دو طرف، قدرت به طرف بین‌المللی منتقل می‌شود تا بحران را حل کند. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند، راه حل اخیر واقع‌گرایانه‌تر است، در این حالت دو طرف می‌توانند، ادعا کنند از حاکمیت و سیادت خود بر اقصی و «هیکل» صرف نظر نمی‌کنند و اداره این اماکن را بر حسب مفاهیمی ادامه می‌دهند که در سال ۱۹۶۷ تهیه و تدوین شدند.

پرتال جامع علوم انسانی \*\*\*

غیر از آن مسائل متعدد دیگری در ششمین کنفرانس هرتزلیا مطرح شد که مهم‌ترین آن جایگاه اسرائیل در اروپا و ایالات متحده و آینده رابطه آنها با یکدیگر بود. در زمینه رابطه با اتحادیه اروپا و پیمان آتلانتیک شمالی، «ناتو»، اسرائیل شاهد تقویت جایگاه خویش در سطح اروپاست، از آن جهت که اسرائیل معتقد بود، ترویج ایده عقب‌نشینی از نوار غزه در سال ۲۰۰۵ و بیان اینکه این طرح گاهی برای پایان اشغالگری است، افکار عمومی کشورهای عضو اتحادیه و ناتو را به حمایت از خود جلب می‌کرد، از جهت دیگر داده‌هایی وجود دارند که نشان می‌دهد، اسرائیل جایگاه خود در این منطقه و پیمان را تقویت کرده است. تبعیت اروپا از موضع امریکا در سیاست‌های جهانی، به ویژه پس از اینکه آشکار شد منافع اروپا اقتضا می‌کند با اسرائیل

جبهه خصمانه مشترکی در خاورمیانه علیه ایران تشکیل دهند. همچنین موضع مثبت و پشتیبانی اروپا از اسرائیل در جنگ این کشور علیه لبنان. در مقابل اسرائیل نیز موضع مثبتی در قبال اروپا با دادن اجازه به این اتحادیه در دخالت در منطقه اتخاذ کرد. در واقع اسرائیل نشان داد به خوبی می‌داند این دخالت‌ها به نفع چه طرفی است. در مورد ناتو اسرائیل تلاش

می‌کند، بار دیگر خود را به عنوان حامی جدی غرب و امریکا در منطقه معرفی کند و هر چیز که بخواهد طرح امریکا را در خاورمیانه و در جهان عرب و اسلام به خطر اندازد، با مداخله اسرائیل مواجه خواهد شد. پس از اسرائیل نوبت به حضور فعال ناتو در منطقه می‌رسد که اسرائیل تلاش می‌کند زمینه‌های آن را فراهم سازد و این امر در همان اولین روزهای جنگ اسرائیل علیه لبنان عیان بود، هنگامی که اسرائیل درخواست استقرار نیروهای نظامی ناتو را میان مرزهای خود با لبنان مطرح کرد.

با وجودی که اسرائیل در اوضاع اقتصادی نامناسبی به سر می‌برد و

تحقیقات بسیاری در زمینه گرایش‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور عبری صورت گرفته است.

اما آنچه در کنفرانس ارائه شد، تأیید سیاست‌های نئولیبرالیستی بود که به نفع سرمایه‌داری اسرائیلی و بیگانه عمل می‌کرد و هیچ توجهی به آمار و ارقامی نداشت که در کنفرانس ارائه

آمار و ارقامی که در ششمین کنفرانس هرتریا ارائه شد، نشان‌دهنده تغییر نگرش یهود به کشورشان و امکان ادامه زندگی در آن است. چون جوانان و فقرای اسرائیلی کمتر به کشور خود افتخار می‌کردند و آماده بودند برای بهبود وضع اقتصادی خود این کشور را ترک کنند و در جنگیدن برای دفاع از کشور در صورت بروز جنگ تردید داشتند.

گردد و به آشفتگی اوضاع اقتصادی اسرائیل اشاره می‌کند که بی‌شک به دنبال خود آثار زیانبار اجتماعی و اقتصادی را نیز به همراه داشته و باعث شده اسرائیل در رده فقیرترین کشور، میان کشورهای پیشرفته قرار گیرد (۱۸٪ جامعه اسرائیل را فقرا تشکیل می‌دهند که اکثر آنها اعراب، بنیادگرایان یهودی و سالمندان هستند). بر حسب داده‌های بیمه تأمین اجتماعی اسرائیل از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵ تعداد فقرای اسرائیل از یک میلیون و ۱۰۰ هزار نفر به یک میلیون ۶۰۰ هزار نفر افزایش یافته‌اند، به عبارت دیگر نیم میلیون فقیر جدید به فقرای قبلی اضافه شده‌اند و کودکان فقیر از ۴۸۰ هزار کودک به ۷۳۰ هزار کودک افزایش و میانگین درآمد ماهیانه خانواری که در پایین هرم درآمدها قرار دارد، ماهیانه ۶۴۳ شیکل کاهش را نشان می‌دهد، در حالی که میانگین درآمد خانوارهای قرار گرفته در رأس هرم افزایش ۱۲۴۶ شیکل را نمایان می‌سازد. همچنین سهم کودکان در پنج سال اخیر ۴۵٪ کاهش و حق بیکاری ۴۷٪ و سهمیه‌های اختصاص یافته به فقرا ۲۵٪ کاهش یافته است.

آمار و ارقامی که در ششمین کنفرانس هرتزلیا ارائه شد، نشان‌دهنده تغییر نگرش یهود به کشورشان و امکان ادامه زندگی در آن است. چون جوانان و فقرای اسرائیلی کمتر به کشور خود افتخار می‌کردند و آماده بودند برای بهبود وضع اقتصادی خود این کشور را ترک کنند و در جنگیدن برای دفاع از کشور در صورت بروز جنگ تردید داشتند. گزارشی که «عوزی اراد»، رئیس بخش سیاست‌ها و استراتژی‌های مرکز چند منظوره هرتزلیا، «گال الون»، محقق و پژوهشگر مرکز، انجام داده بودند، آشکار ساخت جمع کثیری در جامعه اسرائیل رابطه ضعیف و سستی با دولت دارند. نظرسنجی به عمل آمده نشان می‌دهد، ۴ تا ۵٪ صاحبان درآمدهای بالا و متوسط با جنگیدن برای دفاع از کشور موافق نیستند، این نسبت در میان افرادی با درآمدهای پایین ۷٪ و در میان افراد کم درآمدتر به ۹٪ می‌رسد. همچنین داده‌ها نشان از تضعیف و سست شدن رابطه یهود با کشورشان داشت و این معیارهای اقتصادی بودند که میزان آمادگی ایشان را برای باقی ماندن در کشور تعیین و مشخص می‌کرد. بر اساس اطلاعات به دست آمده ۲۵٪ یهودیان ساکن اسرائیل آمادگی خویش را برای خروج از کشور به

خاطر بهبود وضع اقتصادی خود اعلام کرده بودند، این نسبت میان جوانان به ۴۴٪ بالغ می‌شد. با وجود این، داده‌های تکان‌دهنده از وضعیت فقر و افزایش سالیانه تعداد فقرا، همه رهبران احزاب لیکود، کادیم و کار عمدا ارتباط ارگانیک میان سیاست و اجتماع را نادیده گرفتند و در سخنرانی‌های خویش، از تریبون کنفرانس هرتزلیا برای بیان سیاست‌های استراتژیک خویش در قبال نزاع اسرائیلی -

فلسطینی و هزینه‌های مورد نیاز برای پایان بخشیدن به آن استفاده کردند.

همچنین در ششمین کنفرانس هرتزلیا برنامه‌ای پیشنهاد شد که شورای امنیت ملی اسرائیل برای حل مسأله‌ای که آن را «مسأله روستاهای بدوی به رسمیت شناخته نشده» نامیده بود، ارائه داد که در آنها حدود ۴۰ هزار صحرانشین زندگی می‌کرد. در گزارشی که نایب رئیس شورای امنیت ملی، یعنی «ایهود پرافر ولیریت سربوس» از بخش امور داخلی شورا ارائه داده و به تصویب سرهنگ احتیاط «گیورا آییلاند»، رئیس شورا، رسیده بود، توجه به اجرای برنامه‌ای دولتی برای رشد بدویان و صحرانشینان نقب و

سرمایه‌گذاری حدود ۱۰ میلیارد شیکل در دهه آینده به چشم می‌خورد. وی اشاره کرده بود، طی دو سال اخیر دولت ساخت هفت شهر جدید را برای صحرانشینان در نقب و در راستای شورای جدید منطقه‌ای آغاز و شورای جدید کار و برنامه‌ریزی برای ساختارهای زیربنایی مورد نیاز این شهرها را شروع کرده است و انتظار می‌رود، ۲۲ هزار شهروند بدوی ساکن این

طی شش سالی که از انعقاد کنفرانس می‌گذرد، میزان اهمیت آن و دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و جمعیتی مطرح شده در آن هنوز درک نشده است و با وجودی که اسناد این کنفرانس‌ها آینه‌گرایش‌ها، دیدگاه‌ها و توجهات اسرائیلی را در مراحل بعد تشکیل می‌دهد، اما به اهمیت این سخن‌پی برده نشده است که می‌گوید: «دشمنت را بشناس.»

شهرها شوند، اما بخش کثیری از این بدویان میلی به انتقال به این شهرها از خود نشان نمی‌دهند. نویسندگان همچنین به شهرهایی اشاره می‌کنند که برنامه‌ریزی برای ساخت آنها صورت گرفته است، اما دولت به هیچ توافقی با بدویان پیرامون اراضی آنها دست نیافته است و این باعث می‌شود مانع اصلی بر سر راه انتقال آنها به شهرها همچنان برقرار باشد.

همچنین پیشنهاد شورای امنیت ملی خواهان تعیین دوره زمانی خاصی برای پایه‌ریزی و رشد پایه‌های اسکان بدویان در نقب است که فراتر از پنج سال نباشد تا گامی برای تحقق توسعه منطقه برداشته شود، شبیه آنچه در برنامه قطع ارتباط شاهد آن بودیم.

باید در نقب نیز راه حل‌های متنوع اسکان بدویان با مشاوره و کسب نظر ساکنان خود منطقه ارائه شود تا بدویان و صحرانشینان امکان حفظ چارچوب‌های خانوادگی و قبیله‌ای خود را با انتقال به این مراکز داشته باشند. حتی شورا پیشنهاد می‌دهد شهرهای بدوی جدیدی ساخته شود، به شرط آنکه بزرگ باشد و کفایت و تدبیر لازم را برای اداره و صیانت از خود داشته باشند و به بدویان و صحرانشینان هشدارهای لازم داده شود که پیش از موعد مقرر آنها را تخلیه کنند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی \*\*\*

طی شش سالی که از انعقاد کنفرانس می‌گذرد، میزان اهمیت آن و دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی و جمعیتی مطرح شده در آن هنوز درک نشده است و با وجودی که اسناد این کنفرانس‌ها آینه گرایش‌ها، دیدگاه‌ها و توجهات اسرائیلی را در مراحل بعد تشکیل می‌دهد، اما به اهمیت این سخن پی برده نشده است که می‌گوید:

دشمن را بشناس.

بسیاری کنفرانس هرتزلیا را، گردهمایی سالیانه اسرائیلی‌ها بسان اجلاس سران کشورهای عربی تلقی می‌کنند و هیچ تغییری در دیدگاه خود در قبال نزاع اعراب - اسرائیل و توافق و تأثیر اسرائیل در اوضاع و احوال منطقه‌ای و بین‌المللی به وجود نمی‌آورند و بدین‌وسیله به این

سخن اسرائیلی‌ها عینیت بخشیده می‌شود که در بیش از پنج دهه گذشته همیشه آن را تکرار کرده‌اند:

اعراب نمی‌خوانند و اگر هم بخوانند، نمی‌فهمند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی